

آیا جاپان به اسلام مشرف

خواهد شد؟؟

بقلم جناب سید قاسم خان

« رشتیا » عضو انجمن ادبی

ز چندی به اینطرف جرائد داخله و خارجه اطلاعات متواتری نسبت به نهضت مسلمان شدن جاپانی ها نشر داده و قلوب اهالی این خطه اسلامی را مسرور و امیدوار ساخته اند. در واقع تمامی این خبرها حقیقت داشته، درین اوقات اخیر اهالی جاپان رغبت زیادی نسبت بدین مقدس اسلام از خود ابراز داده اند. چون این مسئله - اگر چه پهلو های دیگر نیز داشته باشد - برای دیگر تمام عالم اسلام بخصوص هموطنان ما اهمیت بزرگی دارد و خیلی اسباب دلچسپی آنها میباشد، اینک بنده اساس تمایل ملت جاپان را بسوی اسلام از دوره های اول آن شروع کرده واقعات متناوبه این تمایل و بالاخره گذارشات اخیر آن را از روی مآخذ تاریخی و وقائع مثبت و جرائد جمع و اقتباس نموده، درینجا بحضور هموطنان عزیز خود تقدیم میدارم.

مدنیت امروزه جاپان که از تمام جنبه ها عالم را به شکفت و دول مقتدر را بر شک و خطر انداخته است عمر جوانی دارد، و شروع آن از نیمه قرن ۱۹ عیسوی تجاوز نمیکند (سال ۱۸۶۸) قبل از آن درهای این مملکت بر روی عموم خارجی ها مسدود بوده و اهالی آنجا مردم اجنبی را خیلی بد میدیدند چنانچه یکی از رسوم قوی آنها

همین عقیده بود که هر کجا با اجانب علاقه نداشته و از مرزها و بایکانات محترمانه باشند بدیهیست که همین ازوا و کناره گیری آنها را تا اندازه زیاد از اوضاع عالم بیخبر و از سیر تکامل مدنیت دور و بی اطلاع نگاه داشته بود. و نیز باید دانست که مذهب جاپانی ها آئین بودا (شنتو و غیره) و عقیده مهم شان عبارت از اطاعت و محبت داشتن به میکادو (امپراطور) بود. اطاعت و دوستی میکادو را بحد پرستش می رسانیدند. چنانچه همین وضعیت تا اواسط قرن ۱۹ دوام کرده با وجود مداخلت های بعضی دول خارجی از قبیل امریکا و انگلستان و غیره در های جاپان بر روی خار جیان تقریباً بکلی مسدود و مردم آن از مدنیت عالم و اوضاع دنیا تماماً بی خبر بودند تا آنکه در سال ۱۸۶۸ میلادی یعنی در است (۶۶) سال قبل پس از وفات (کومی) امپراطور سابق ، پسرش (متسو هیتو) بسططت رسیده چون افکار تازه و نظریات نیکو داشت ، از محبت و فرمانبرداری شدید ملت استفاده خوبی برداشت به این معنی که برخلاف رسوم سابقه بالذات با ملت ملاقات نموده گفت که من هم مثل شما یک انسان میباشم و میان ما و شما فرقی نیست جز اینکه من پادشاه شما هستم. از این وضعیت دوپوشی و دوگانه ای که در میان ما و ملت ما فاصله گزیدست بهتر است. من و شما با هم متحد شده مملکت خود را با هم متحد نمائیم تا عالم ترقی بدهیم و نواقص خود را یکسر رفع سازیم. با اثر این اقدام مشارالیه که طرف قبول تمام ملت واقع گردید اقدامات وسیع اصلاحی در هر شعبه از شعبات حیاتی سر دست گرفته شده هیئت های بزرگی از اشخاص فهمیده و متنور مملکت برای مطالعه اوضاع عالم و مطالعه عموم شعب تمدن دول مهم عالم به خارج اعزام گردید چنانچه از آن جمله امپراطور و نمایندگان ملت در اثر مشوره هم ایقان حاصل نمودند که دین آنوقت جاپان (یعنی بودائی و شنتو و غیره) ادیان صحیح نبوده اساس آن بر خرافات

میباشد و ازین سبب در حیات روزمره و مدنیت عصری تطبیق شده نمیتواند. لهذا فیصله شد که هیئت بزرگی از افراد باهوش و تجربه کار به تمام دنیا مسافرت کرده، کلیه ادیان روی زمین را مطالعه نماید و اساس هر کدام را بخود معلوم داشته در وقت مراجعت راپورت بدهد تا از روی آن همان دینی که متین تر و معقولتر بوده، در عین حال در حیات و معاشرت اجتماعی بهتر تطبیق شده بتواند، دین رسمی تمام ملت جایان قبول میشود.

همین بود که هیئت مهمی به مقصد مزبور عزیمت کرده تمام اروپا را سیاحت و ادیان آنجا را مطالعه نمود و بعد بغرض مطالعه دین مقدس اسلام به ترکیه مسافرت کرد زیرا در آن وقت دولت عثمانیه هنوز هم اقتدار زیاد را مالک بوده، مرکز خلافت اسلام و شاه آن (سلطان) مسامین بشار می رفت. هیئت مزبور از سلطان عثمانی عبدالعزیز خان (۱۸۳۰-۱۸۷۶) خواهش نمود تا اساس دین مقدس اسلام برای شان نشان داده شود. سلطان بقاضی القضاة اسلامبول امر نمود تا خواهش شان را به اجابت برساند. قاضی القضاة مذکور خواه مقصد اصلی هیئت جایانی را تفهیم خواند گرفتار و سؤنطن کردید، بهر صورت که بود، اساس شریعت مقدس اسلام را چنانچه باید و شاید به جایانی ها که قطعاً در اطراف آن معلوماتی نداشتند فہانده نتوانست و بیاناتی برای شان داد که کاملاً بلندتر از اطلاعات و افکار ایشان بود. بلکه به این هم اکتفا نکرد، در صدد ایذا آنها برآمد. و الحاصل هیئت جایانی در دولت عثمانیه طوری رفتار ناهنجار دید که مجبور به قطع مطالعات خود شده بزودی به مملکت خود مراجعت نمود. و در ضمن راپورتنی که بحکومت تقدیم کرد همچنانکه نسبت بدیگر ادیان بشری، اظهار فکر نمود، به سبب عدم معلومات، در باب دین اسلام

هم بهمانقرار اطلاع داد. و در نتیجه راپورت مزبور مجلس میکادو فیصله کرد که در حال حاضر هیچ آئینی که برکیش موجوده جاپان امتیازات زیاد داشته و در عین حال هم معقول و صحیح و هم در حیات و اجتماعیات کاملاً قابل تطبیق باشد، وجود ندارد! بنابراین بهتر است مسئله دین فعلاً معطل مانده، مطالعات مزید جریات داشته باشد.

به این قسم در اثر حکم توجیهی علمای آنوقت دولت عثمانیه، ملت جاپان که تماماً آماده پذیرفتن دین مقدس اسلام بود از حقیقت آن خبر دار نشده، همان طور باقی ماند. حالآنکه هرگاه در همان موقع اندک التفاتی از طرف آنها درین راه بعمل آمده یا لا اقل اساس اسلال بصورت صحیح و روشن و بطوریکه بفهم جاپانی های بی اطلاع آنعصر نزدیک باشد، توضیح میشد، بلافاصله تمام این خطه بزرگ و این ملت متفق و باعزم کاملاً به دین مقدس اسلام مشرف میگردد و عالم اسلام خیلی پیشتر و ویدستر قوت معتنای کسب میکرد.

بهر حال ناگفته نماند که در آنوقت (سال ۱۸۶۸) در تمام جاپان شاید یک نفر مسلمان هم وجود نداشت و این آئین را هیچکسی در آن دیار نمی شناخت. اما این وضعیت در دوام نکرده همانطوریکه مملکت با قدمهای سریع و در عرصه کمی در جاده ترقی و تمدن سر راست شد و روابط جاپانی ها با سایر ممالک عالم بسط و توسعه یافت، اسلام نیز بزودی در جزائر مزبور داخل شده، کم کم کسب تراند نمود. و با آنکه در آن آوان هیچ قسم تبلیغ و تشویقی از طرف حکومت یا مراکز دیگر در راه نشر و تعمیم دین اسلام در آنجا بعمل نمی آمد، اندک اندک این آئین متین در انجاریشه افکنده روز بروز تعداد پیروان آن زیاد شدن گرفت اگرچه احصائیه های عده مسلمین جاپان تا همین چند سال بخوبی معلوم نیست

معهدایقین میتوان کرد که در ظرف این ۶۰ سال اخیر پیروان دین مقدس اسلام کم کم در جزائر جاپان داخل و به تائی اما بطور دائمی و لاینقطع در هدایت کردن آن قوم اقدام نموده اند. بهر حال چیزیکه اهمیت دارد اینست که از شروع قرن بیستم دفعهٔ رغبت جاپانی ها بسوی اسلام کسب شدت نموده، مسلمانان سابقه آنجا و کسانی که نوبه طرف آن مائل میگرددند، باهم معرفت پیدا کرده بفکر اجتماع و ترقی دادن تبلیغات خود افتادند چنانچه در کم وقت یعنی تا آخر جنگ عمومی در جاپان چند مجمع مسلمان تشکیل یافته در صد بسط دادن تاسیسات و نشر و تعمیم دین اسلام برآمدند و بفکر ساختن مساجد و مدارس افتادند. پیروان دین مقدس اسلام در شهر «کوبه» Cobe که به نزدیکی «اوساکا» Osaka در ساحل شرقی وسط جزائر جاپان واقع است بیشتر ترقی کرده هیئت های تبلیغی صحیح و مفیدی از آنجا نشئت کرد و تبلیغات و تشویقات مسلمانان جاپان بشکل بسیار اساسی شروع شده است. چنانچه چند سال قبل عددهٔ مدارس تعلیم دین اسلام در اکثر شهرهای جاپانی و خود پایتخت (توکیو) کسب و بسعت نموده، جمعیت مسلمانان شهر کوبه علاوه بر شش و بیست و یک نفر که در نظر رعایت مملکت دارند از حکومت امتیازات زیادی حاصل نمودند تا حدی که امروز الجمعیتهای جامع رسمی مملکت بشمار می رود. از اطلاعات اخیر معلوم میشود که عنقریب به مجهودات هیئت های تبلیغی مسلمانان جامع عالی شان شرف بخش شهر کوبه خواهد شد و نیز مسلمین مزبور در صد ترجمه نمودن قرآن شریف برآمده اند و آخرین خبریکه رسیده مژده می دهد که کار ترجمه جاری و تا کنون در ظرف مدت کوتاهی ۲ پارۀ مبارک کاملاً ترجمه شده است، یقین میرود که در اثر ترجمه شدن قرآن عظیم الشان احکام مبارک آسمانی وارکان

دین مقدس اسلام بخوبی ذهن نشین خاص و عام جاپانی ها شده ، نشر و تعمیم دین و کار تبلیغ را به اندازه زیاد سهولت و ترقی خواهد بخشید که به زودترین اوقات عموم اهالی جاپان از حقیقت شریعت محمدی صلعم مطلع و به حکام مبارک قرآنی گرویده خواهند گردید .

اما باید دانست که این پیشرفت دین اسلام تنها موقوف به جدیت هیئت های اسلامی آن مملکت نمی باشد بلکه سبب اصلی آن اینست که یک جریان مفیدی افکار اجتماعی مملکت را بسوی قبول دین اسلام کشیده و حتی اشخاصیکه تا هنوز مذهب قدیم خود را ترک نگفته اند ، نیز این دین مقدس آسمانی را بنظر احترام و تجلیل می نگرند بعضی اشخاص بزرگ جاپانی از خود سؤال میکنند آیا روزی نخواهد رسید که ملت جاپان رسماً دین اسلام را قبول نموده گرویده احکام مقدسه قرآن گردد ؟

اگر کس به دیده تعمق ارکان و احکام مفید و صحیح دین اسلام را ملاحظه نماید که تا کدام اندازه مطابق اجتهادات عصری میباشد و در عین حال حقیقت خواه اذهان جاپانی ها و نواقص اجتماعی مذهب موجوده آنها را مد نظر بگیرد البته که آنوقت این مسئله در نظر محال بلکه مشکل هم نخواهد آمد .

ما نیز بانتظار این روز مسعود آخرین خبری را که از مورخه ۲۴ ماه اپریل از توکیو رسیده و جریده منبر الشرق منطبعه چینوا آن را نشر کرده است ، بقسم مزده به انظار هموطنان خویش می رسانیم :

« دیشب (شب ۲۳ اپریل ۱۹۳۴) هیئت تبلیغی مسلمانان جاپان مجلس با شکوهی بزیر ریاست شخص امپراطور ترتیب داده ، در آن اکثر وزرای مملکت واعیان و اکابر ملی شرکت ورزیده بودند ، لیدر بزرگ تا نار « شیخ عبدالرشید

ابراهیم « و «ایازاسحاق» نویسنده معروف اسلامی جاپان نطقهای مفصلی راجع به انتشار دین اسلام در امپراطوری جاپان و اهمیت ترجمه قرآن کریم بزبان جاپانی که بمقصد فهماندن اعجاز آن برای عموم ملت میباشد، ایراد نمودند. در جواب آنها فیلسوف بزرگ جاپانی (اوهارا) Ohara بیان نمود که مذهب اسلام از جهت سادگی و منطقی بودن احکام آن نسبت تمامی مذاهب دیگر موجوده عالم برای ملت جاپان موافق تر است.

این خبر که هیچ کس از اهمیت آن انکار نموده نمیتواند، اگر چه جنبه های دیگر آن نیز مد نظر گرفته شود باز هم برای عالم اسلام مخصوصاً در نظر هموطنان عزیز ما باید بمنزله مژده عظیمی تلقی بشود. زیرا انعقاد چنین مجلس با شان که خاص از طرف مسلمین جاپانی ترتیب داده شده و در آن شخص امپرا طور جاپان بحیث رئیس حضور داشته، علاوه بر جنبه اهمیت فوق العاده، شکل رسمی کامل را دارد و در نتیجه آن امید قوی میتوان نمود که به زود ترین فرصت خبرهای مسرت بخش تری دایر بر ترقی و نشر و تعمیق دین اسلام در سراسر جاپان خواهیم شنید و نیز امید است دیگر نقاط و بلاد اسلامی هم در این خدمت بزرگ عالم اسلام شرکت ورزیده بواسطه اعزام وفود تبلیغیه و دایر کردن روابطه معنوی با انجمن های اسلامی جاپان، بهر وسیله که ممکن باشد در راه پیشرفت منظور فوق کمک و امداد نمایند تا بخواست خداوند جل علی شان ملت بزرگ و مملکت مقتدر جاپان که از همه جنبه ها یک ملت متحد و صحیح و یک دولت با عظمت و مهم بشمار میرود، بشرف دین اسلام نائل گردیده عالم اسلام اقلأ میان ۶۰ و ۷۰ میلیون دیگر، به پیروان خود بیفزاید.